



مقدمه

خداشناسی کودکان، دنیایی پر از ظرافت و حساسیت است. در آشناسدن کودکان، که نخست در خانواده محقق می‌شود، گاهی مسائلی پیش می‌آید که با این ظرافت‌ها همخوانی ندارد. برخی از والدین در مسیر معرفی خداوند به کودکان، دچار اشتباهاتی می‌شوند که می‌تواند در آینده دینی آنان نقش تخریبی زیادی داشته باشد، از این رو، شناخت این موارد، برای پیش‌گیری از آنها بسیار مهم است. در این نوشتار، به برخی از اشتباهات رایج و آسیب‌های ناشی از آن اشاره می‌شود.

۱. ارائه اطلاعات نادرست

کودکان به صورت فطری، به یگانگی خداوند معتقدند و دلایل بسیاری بر این مسئله وجود دارد؛ حضرت موسی علیه السلام به خدا عرض کرد: «پروردگارا، کدام یک از اعمال نزد تو برتر است» خطاب رسید: «محبت به کودکان، زیرا فطرت آنها را بر پایه‌ی اعتقاد به یگانگی خود قرار دادم».^۱ آنچه ممکن است کودک را در شناخت دچار مشکل کند، افکار خام و نادرستی است که از تجزیه و تحلیل برخی اطلاعات به‌دست آمده با ذهن محدود خود بدان می

^۱ . مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۷.

رسد. یکی از اشتباهاتی که ممکن است رخ دهد، دادن اطلاعات نادرست و تأیید برخی از افکار خام کودکان درباره ی خداست. برخی از والدین به گمان این که با دادن هر گونه اطلاعاتی درباره ی خداوند و صفات او می توانند ذهن پرسشگر کودک را قانع و ساکت کنند، یا این تصور که اگر من به او معلوماتی ندهم، ممکن است دیگر مرا قبول نداشته باشد، گاهی اطلاعاتی بیان می کنند که بیش تر از آن که جنبه ی علمی و واقعی داشته باشد، تصویری است که سال ها درباره ی خدا داشته اند. چنین کودکی، دیر یا زود، به اطلاعات دقیقی درباره ی پرسش های خود خواهد رسید و آن گاه به تمام گفته های شما به دیده ی تردید می نگرند.

بعضی از کودکان هم سال ها با همین معلومات به دست آمده از پدر و مادر زندگی می نمایند و تمام ابعاد معنوی خود را بر معلومات ناقص یا اشتباهی پایه ریزی می کنند که ممکن است آسیب های شناختی جدی برایشان به دنبال داشته باشد. از این رو، توصیه می شود در مواردی که خود به باور درستی دست نیافته اید، قدری درنگ کنید و فقط در زمانی که از درستی معلومات خود در زمینه ی خداشناسی مطمئن شدید، آن را به کودک خود منتقل کنید. در بسیاری از موارد شما می توانید از کودک فرصت بخواهید تا به مطالعه و پرس و جو درباره ی پرسش وی بپردازید یا او را به شخص دیگری که می دانید معلومات بیش تری دارد، معرفی نمایید. در مواردی که اطلاعات کامل و مفیدی در اختیار ندارید، با کودک خود صادق باشید و با همین صداقت خود، ایمان راستین خود را اعلام کنید.

۲. خدا، ابزار تهدید

متأسفانه، در بسیاری از خانه ها، پدر و مادر در موارد زیادی، ناخواسته، از ایمان کودک سوءاستفاده می کنند و کودک را از قدرت خدا می ترسانند؛ برای نمونه، مادری که با سر و صدای زیاد و لجبازی کودک خود روبه رو شده و هیچ مهارتی برای آرام کردن او نیاموخته است، کودک را با جملات معنوی می ترساند و وعده ی عذاب خدا و افتادن و سوختن در آتش را می دهد. تکرار این گونه مطالب، ذهنیتی منفی از خدا در دل و جان کودک معصوم شما بر جای می گذارد و در ذهن کودک به محبت خدا خدشه وارد می سازد. بیش تر پدران و مادران براساس پیروی ناخواسته از الگوهای کهن، دچار چنین رفتارهایی می شوند، یعنی خود نیز در کودکی جملاتی شنیده اند که وحشت از خدا را در آنان به وجود آورده است؛ جملاتی از قبیل «خدا دروغگوها را به جهنم می برد»، «اگر داد بزنی، در آتش جهنم می سوزی»، «خدایا، خودت من را از دست این بچه خلاص کن»، «خدایا، من را بکش راحت بشم» و برای دین داران، خداوند مورد احترام است و ترس از خدا مقدس تلقی می شود؛ به بیانی دیگر، آنان دوست ندارند به خداوند و خواست او بی توجهی شود، ولی خداترسی و خضوع ممکن است برای کودک، به وحشت از خدا تبدیل شود. برخی از والدین وحشت از خدا را در کودک ایجاد می کنند. آنها خدا را به صورت جباری شکنجه گر ترسیم می نمایند و سخت گیری و رفتار خشونت آمیز آموزگار یا والدین نیز موجب ترس او از هر قدرت نیرومندتر از وی خواهد شد. ابتدایی ترین تصویری که کودکان از خدا دارند، معمولاً انعکاسی از تصویر آنان درباره ی والدین یا معلمان آنهاست.

تصویر منفی او را از خدا اصلاح کنید و رحمانیت، بخشندگی و مهربانی خدا را به او نشان دهید، به گونه ای که خدا را یاور خود بداند و مجازات را ناشی از انتخاب های اشتباه و ناشایست خود برشمرد، نه ناشی از جبار بودن خدا. البته یادآوری این نکته لازم است که در تربیت دینی باید بیم و امید را همراه ساخت. از این رو، بیان پاره ای از موارد خشم الهی به بدکاران، ضروری است، ولی باید توجه داشت که در بیان این عقوبت ها کودکان را به صورت مستقیم مورد خطاب قرار ندهیم، بلکه باید آن را خاص بدکاران و نتیجه ی اعمال ناشایست آنها معرفی کرد. از سوی دیگر، داستان هایی که بیانگر کمک و محبت خداوند به بندگان می باشد، بیش تر گفته شود تا برداشت کودک از خداوند، بر مهر و علاقه پایه ریزی شود.

۳. معرفی خدای ذهنی

یکی از آسیب‌هایی که ممکن است در معرفی خداوند به کودکان رخ دهد، دادن اطلاعات خشک و بدون توجه به فضای ذهنی کودک است که سبب می‌شود او به جای احساس خداوند و درک حضور او و نیز ایجاد آمادگی برای برقراری ارتباط با خدایی که زنده، شاهد و ناظر بر همه است، خدایی ذهنی را باور کند که فقط در فضای ذهن و معلومات او جای می‌گیرد و در موارد متعددی که نیاز است از او حمایت شود، به سراغ چنین قدرتی نیاید. گاهی، اطلاعات بیش از اندازه و تکیه بر تسلط بر آموزه‌های دینی و برخوردار کردن فرزندان از اطلاعات فراوان، سبب غفلت از این جنبه می‌شود و کودکان خود خدایی مقدس را درمی‌یابند که اطلاعات زیادی درباره او به دست آورده‌اند. از این‌رو، لازم است والدین افزون بر آشناسازی کودکان با خداوند سبحان و صفات او، زمینه‌ی انس و احساس خداوند را در آنان به وجود آورند و کودک را در موقعیت‌های گوناگون، به وجود خدای زنده و مشکل‌گشا آگاه سازند.

۴. سخت‌گیری در اجرای همه دستورات خدا

گاهی دیده می‌شود که والدین به دلیل حساسیت بیش از اندازه‌ای که درباره‌ی مسائل دینی فرزندان خود به کار می‌برند، با دست خود آنها را از فضای دینی دلزده و دلسرد می‌کنند. چنین والدینی انتظار دارند که کودکان همانند یک بزرگسالان، تمام دستوره‌های خدا را به خوبی اجرا کنند و هر جا کم‌ترین ضعفی در آنان ببینند، آن را پای ضعف ایمان نهاده، کودک را به دور شدن از خداوند تهدید می‌کنند.

چنین رفتارهای نادرستی، لذت با خدا بودن را در کودکان از بین می‌برد و بدین ترتیب، رفتارهای دینی آنان، تنها به خاطر ترس از خدا یا نگرانی از ناراحتی والدینشان خواهد بود که هر دو، به دین‌داری کودک در آینده صدمات جدی وارد می‌کند. از این‌رو، لازم است والدین با ملایمت و مدارا و با توجه به توانایی فرزندان، از آنها بخواهند که رابطه‌ی معنوی خود را با خداوند حفظ کنند و وقتی با کسالت آنها روبه‌رو می‌شوند، آن را طبیعی و امری عادی بدانند؛ چه این‌که گاهی، برای بزرگسالان هم چنین حالت‌های اتفاق می‌افتد.

توجه به این نکته هم ضروری است که بی‌رغبتی کودک به مسائل دینی ممکن است دلایل دیگری نیز داشته باشد که باید شناسایی شوند، مانند دوستان بی‌رغبت به مسائل دینی، دیدن اشخاص به ظاهر مذهبی که انسان‌های ناشایستی هستند، این تصور که ادیان فقط درباره‌ی بایدها و نبایدها سخن گفته‌اند و آزادی انسان را محدود می‌کنند، ترس از خدا به دلیل بدرفتاری کسانی که سرپرستی او را در خانه و مدرسه برعهده دارند؛ ذهنی بودن خدایی که به او معرفی شده است، تأثیر نداشتن خدای ذهنی در زندگی روزمره، مستجاب نشدن دعاها و دیگر شبهات فکری و مشکلات رفتاری. شما باید بکوشید علت اصلی بی‌علاقگی او را بیابید و حل کنید تا انگیزه و کشش یادگیری در او شکوفا گردد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این‌باره سفارشی طلایی دارند؛ «خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را در اعمال نیکش یاری دهد» سؤال شد: «چگونه؟» فرمودند: «آنچه در توان اوست، بپذیرد و از سخت‌گیری بپرهیزد.»^۲

۵. دشوارنمایی

دشواری‌نمایی و طرح مسائلی که در دنیای کودک و خردسال مفهومی ندارد، سبب می‌شود او دین را مقدس و در

^۲. کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۵۰.

عین حال، خارج از توان شناختی خود بیندازد. شکل‌گیری چنین تصویری سبب دین‌گریزی کودکان می‌شود و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، سبب می‌شود که کودک به هنگام انتخاب دین یا دیگر مسائل مادی، به بهانه‌ی نامفهوم بودن مسائل دینی، راه غیردینی را برگزیند.

لازم است والدین از طرح مباحث پیچیده‌ی عقیدتی یا طرح مسائل ساده با ادبیاتی دشوار و کلیشه‌ای پرهیز کرده و برای انتقال مفاهیم دینی به فرزندان خود با صرف وقت و حوصله‌ی بیش‌تر، شیوه‌ای مناسب با فضای روانی فرزند خود در پیش گیرند. لازم است در هر دوره از تحول کودک، بنا به تناسب ویژگی‌های ذهنی و شناختی، آموزش‌های دینی را به فرزندان خود ارائه نماییم و اجازه دهیم کودکان، دین کودکانه‌ی خود را داشته باشند و از طرح و تدریس عقاید پیچیده و مشکل برای آنها خودداری کنیم، زیرا نمی‌توانند آن را درک کنند و چه بسا موجب بدفهمی و گریز آنها از دین شود.

۶. نادیده گرفتن نیازهای کودکان

کودک شما با تمام اشتیاقی که نسبت به فراگیری مسائل دینی و به ویژه آشنا شدن با خداوند از خود نشان می‌دهد، همچنان «کودک» است. او نیازهای دوران کودکی خود را دارد و بی‌توجهی به این نیازها به بهانه‌ی پررنگ سازی جنبه‌ی معنوی او نادرست است.

بهترین شیوه، پل زدن از نیازهای او برای انتقال مسائل دینی به او می‌باشد، نه نادیده گرفتن مسائل روزمره و طبیعی کودک. شما می‌توانید از نیاز طبیعی او مانند نیاز به بازی استفاده کنید و مفاهیمی همچون مهربان بودن خدا و دیگر مسائل را به صورت محدود بیان کنید. وقتی پیشرفت جدیدی در زندگی رخ می‌دهد یا از نعمتی نو برخوردار می‌شوید، زمینه‌ی شکرگزاری با خدا برایتان اتفاق افتاده است که می‌تواند پلی مطلوب برای اتصال کودک به خدا باشد. خوراکی‌های مورد علاقه‌ی کودک، نیاز به بازی و تفریح، جشن‌ها و مراسم شاد دیگر مانند مهمانی و...، موقعیت‌های طبیعی هستند که کودک در آن می‌تواند غیرمستقیم اطلاعات بیش‌تری درباره‌ی خدا به دست آورد. نادیده گرفتن نیازهای طبیعی کودکان در هر مرحله از رشد و برخورد فراتر از طاقت یا پایین‌تر از توان آنان، سبب شکست شما در آموزش آنان خواهد شد.

در هر مرحله‌ی سنی، به نیازهای فرزندتان توجه کنید و به تدریج و قدم به قدم، او را در معرض نیازهای مرحله‌ی بالاتر قرار دهید تا با آمادگی وارد مرحله بعد شود.

۷. بی‌اعتمادی فرزند به والدین

کودک، نخستین اطلاعات مربوط به خدا را از شما دریافت می‌کند و به سبب اعتمادی که به شما دارد، آنها را می‌پذیرد. حال اگر این رابطه به هر دلیلی به هم بخورد و کودک اعتماد خود را به شما از دست بدهد، به معلوماتی که از شما دریافت کرده است هم دچار تردید می‌شود. همچنین وقتی کودک بین اطلاعات دینی شما و رفتارهای غیردینی که گاهی از شما سر می‌زند، قرار گیرد، باز دچار چنین نوساناتی خواهد شد. از این رو، وظیفه دارید که با تنظیم رفتارهای خود، الگوی معنوی خوبی برای فرزندانتان باشید. اگر گاهی اشتباهی مرتکب شدید، با برخورد درست و تلاش برای جبران آن، بکوشید تردید ذهن کودک را از بین ببرید. این امر سبب می‌شود که کودکان حتی از اشتباهات ما هم درس بگیرند. یادمان باشد که ایمان، با اعتماد رشد می‌کند.

باید مورد اعتماد فرزندتان باشید تا او سخنان شما را بپذیرد. سنت‌ها و اعتقادات مذهبی، که ایمان فرزندتان در

بستر آن شکل می‌گیرد، باید قابل اعتماد باشند تا در رشد معنوی او مؤثر واقع شوند. در خانواده‌ای که اعضای آن همیشه با هم دعوا می‌کنند، در محافل مذهبی که اعضای آنها با یکدیگر کدورت دارند و از همکاری سازنده با هم بی‌بهره‌اند، بچه‌ها به آنچه درباره‌ی خدا و ایمان گفته می‌شود، تردید خواهند کرد.

منابع:

سادات، محمدعلی، رفتار والدین با فرزندان، تهران، انجمن اولیا و مربیان، چ ۵، ۱۳۷۶ ش.
فردوسی، سیما، پاسخ به والدین، تهران، کتاب‌های دانه از مؤسسه‌ی انتشارات صابری، چ ۲، ۱۳۸۵ ش.
مؤسسه‌ی فرهنگی-تربیتی توحید (رضا فرهادیان و همکاران)، آنچه درباره‌ی کودکان و نوجوانان باید بدانیم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چ ۲، ۱۳۷۶ ش.
یاب، ایریس، کلیدهای آموختن به کودکان درباره‌ی خدا، مترجم: دکتر حاجی‌زاده، مسعود، تهران، کتاب‌های دانه از مؤسسه‌ی انتشارات صابری، چ ۳، ۱۳۸۱ ش.